



لئوپلڈ فن رانکھ (تاریخ نگاری، روش و پارادایم)

ترجمہ و تدوین امیر علی نیا

لئوئیلد فُن رانکه

(تاریخ نگاری، روش و پارادایم)

ترجمہ و تدوین:

امیر علی نیا



سرشناسه	: علی‌نیا، امیر، ۱۳۶۳ -، گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور	: لئوپلد فن رانکه (تاریخ‌نگاری، روش و پارادایم) / ترجمه و تدوین امیر علی‌نیا
مشخصات نشر	: تهران: ندای تاریخ، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۳ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۷۱-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: رانکه، لئوپلد فون، ۱۷۹۵-۱۸۸۶ م. -- نقد و تفسیر
موضوع	: Ranke, Leopold von, 1795-1886 -- Criticism and interpretation
موضوع	: تاریخ‌نویسان -- آلمان -- قرن ۱۹ م.
	: Historians -- Germany -- 19th century
رده بندی کنگره	: D ۱۵
رده بندی دیویی	: ۹۰۷ / ۲۰۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۹۳۳۸۱۵۱
اطلاعات رکورد	: فیبا



لئوپلد فن رانکه
 (تاریخ‌نگاری، روش و پارادایم)
 ترجمه و تدوین: امیر علی‌نیا
 نظارت: موسسه و انتشارات ندای تاریخ
 صفحه‌آرا: یوسف عزیزی مایوان
 طراح جلد: ندا آقاجانی اولونی
 چاپ اول: ۱۴۰۲ / تیراژ: ۵۰۰
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۷۱-۰
 قیمت: ۲۵۰۰۰۰ تومان
 راه‌های ارتباطی:
 تلفکس: ۰۲۱۶۶۴۰۹۰۲۵
 سایت: <https://nedayetarikh.com>
 اینستاگرام: nedaye_tarikh
 حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است.

سخن ناشر

یکی از اساسی‌ترین سؤالاتی که در ذهن خواننده کتاب می‌تواند شکل بگیرد این است که چرا در عنوان و ترجمه کتاب از واژه «الگوواره» به جای واژه «پارادایم»^۱ استفاده نشده است. از این واژه، در سده پانزدهم، به معنی «الگو و مدل» استفاده می‌شد. اصطلاح پارادایم یا الگوواره را اولین بار تامس کوهن^۲ در قلمرو فلسفه علم به کار گرفت اما بعدها به حوزه‌های دیگر مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز راه یافت. از سال ۱۹۶۰ واژه «پارادایم» در معنای الگوی تفکر در هر رشته علمی نیز گفته می‌شود. به دیگر سخن، پارادایم چارچوبی فلسفی و نظری است در یک رشته یا مکتب علمی که از نظریه‌ها، قوانین، کلیات و تجربیات که قاعده‌مند شده‌اند به دست آمده است.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه «الگوواره» را به جای پارادایم برگزیده است. شایسته بود که در این کتاب از واژه الگوواره استفاده شود اما، بنابر خواست مترجم، نظر به اینکه واژه پارادایم در میان دانشجویان مصطلح‌تر است، از این واژه استفاده شده است.

1 . Paradigm

2 . Thomas Kuhn

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
فصل اول: «تمایل رانکه به آرشوها: موقعیت و شواهد در تاریخ نگاری نوین».....	۱۳
کاسپر ریسیبرگ اسکیلدین.	
فصل دوم: «فهم، نگارش و شرح تاریخ اروپا: لئوپلد فُن رانکه، تحول و فهم او از نگارش تاریخی نوین».....	۵۷
آندره آس بولت.	
فصل سوم: «بازتاب رانکه در تفکر تاریخی آمریکا و آلمان».....	۷۳
گنورگ ایگرس.	
فصل چهارم: «رانکه: تاریخ به مثابه پرستش گری».....	۱۱۳
متیو فیتزسیمون.	
فصل پنجم: «ماینکه و مسئله رانکه - بورکهارت».....	۱۴۳
جان هرکیس.	
فصل ششم: «بحران پارادایم رانکه‌ای در سده نوزدهم».....	۱۸۷
گنورگ ایگرس.	
نمایه.....	۲۰۹

پیشگفتار

تا سده نوزدهم میلادی، دانش تاریخ به عنوان رشته‌ای آکادمیک در دانشگاه‌های مهم شکل نگرفته بود. تلاش‌های لنوئلد فن رانکه و برآمدن پارادایم تاریخننگاری او در اروپای سده نوزدهم میلادی به مطالعات تاریخی اعتباری آکادمیک بخشید. این پارادایم در اواخر سده نوزدهم میلادی به الگوی تاریخننگاری حرفه‌ای در فرانسه، آمریکا و دیگر کشورها تبدیل گردید.^۱ آگاهیم که سده هیجدهم میلادی، سرآغاز جریانی در تاریخننگاری بود که به تاریخ اجتماعی و اقتصادی توجه داشت. سده‌ای که اگرچه دوره موفق‌تری برای تاریخننگاران نبود؛ لیکن تفکرات تاریخی بالیدن گرفت و سال ۱۷۳۴ م مستقل‌ترین گروه تاریخی اندیش‌آسائید آلمانی در دانشگاه گوتینگن قلمرو هانوری شاهان بریتانیای کبیر تشکیل گردید.^۲

در این سده، مخالفت با نگارش تاریخ سیاسی از سوی پاره‌ای از مورخان در فرانسه، انگلستان، آلمان و اسکاتلند آغازیدن گرفت. به باور بولن ویلی به^۳ مورخ و فیلسوف فرانسوی، دوره نگارش تاریخ نظامی با هدف شرح جنگ‌ها به پایان رسیده بود. افزون بر این، اندیشه‌های ولتر^۴ و نگارش رساله «در باب آداب و رسوم ملت‌ها» بر تفکر تاریخی سده هیجدهم میلادی تأثیرگذار بود. در این راستا، آثاری درباره تاریخ اجتماعی قرون وسطی نگاشته شد. لاستری،^۵ تاریخ جمعیت فلورانس؛ گالوزی،^۶ تاریخ اجتماعی و اقتصادی توسکانی تحت سلطه

1. Georg G. Iggers, (1997), *Historiography in the Twentieth Century: From Scientific Objectivity to the Postmodern Challenge*, Wesleyan University Press, pp. 5-6.

۲. ادموند. ب. فراید، ۱۳۸۵، «تاریخننگاری و روش‌شناسی تاریخی»، در: *تاریخننگاری و جامعه‌شناسی تاریخی*، گری. جی. همیلتون، رندال کولینز و دیگران، ترجمه هاشم آقاچری، تهران، کویر، ص ۶۱.

3. Boulainvilliers.

۴. ولتر، فیلسوف و متفکر فرانسوی و واضع مفهوم فلسفه تاریخ که از منتقدان تاریخننگاری سنتی بود.

5. Lastri.

6. Gal-luzzi.

مدیچی‌ها و لانزی،^۱ تاریخ نقاشی ایتالیا را بررسی کرد.^۲ این رویکرد نه تنها محدود به بخش‌هایی از اروپا، بلکه گسترده بود و در اسکاتلند با مکتب تاریخی اسکاتلند شکوفا گردید. ویلیام رابرتسن^۳ تاریخ‌نگار اسکاتلندی به طرح مباحث اجتماعی و فرهنگی از جمله تجارت و هنر پرداخت. آدام فرگوسن،^۴ عضو مکتب تاریخی اسکاتلند و از اقتصاددانان کلاسیک سده هیجدهم میلادی با بینشی تاریخی در سال ۱۷۶۷ م، کتابی با عنوان «رساله‌ای درباره تاریخ جامعه مدنی» نگاشت و آدام اسمیت^۵ در کتاب «ثروت ملل» با طرح مسئله‌ای تاریخی در مورد تاریخ ثروت و توانگری کوشید به این پرسش پاسخ دهد که چرا برخی ملت‌ها از دیگران ثروتمندترند؟ افزون‌براین، چارلز برنی،^۶ تاریخ موسیقی؛ توماس وارتن،^۷ تاریخ شعر انگلستان؛ ویلیام الکساندر،^۸ تاریخ زنان و در آلمان نیز کریستوف ماینرز^۹ به بررسی تاریخ زنان پرداخت.^{۱۰} در آلمان که خاستگاه برآمدن تاریخ‌نگاری رانکه‌ای بود، یوهان یاکوب بروکر^{۱۱} از پیشگامان رویکرد جدید در سده هیجدهم، تاریخ انتقادی فلسفه را نگاشت. در اواخر سده هیجدهم میلادی، شکوفایی مکتب مورخان گوتینگن به گسترش و بسط حوزه‌های مطالعاتی تاریخی کمک کرد. در این راستا، یوهان گانفرید ایچ‌هورن^{۱۲} به بررسی تاریخ تجارت و آگوست شلوتزر^{۱۳} به مطالعه تاریخ خوراک پرداخت.^{۱۴}

رانکه با پیشینه تاریخ‌نگاری متمایل به موضوع‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آگاه

1. Lanzi.

2. Peter Burke, (1988), "Ranke the reactionary", Syracuse Scholar (1979-1991), Vol. 9, p. 3.

3. William Robertson

4. Adam Ferguson

5. Adam Smith

6. Charles Burney

چارلز برنی، مورخ موسیقی انگلیسی که کتاب تاریخ موسیقی از آغاز تا عصر حاضر را نگاشت.

7. Thomas Warton

توماس وارتن، مورخ ادبیات انگلیسی که کتاب تاریخ شعر انگلیسی از اواخر سده یازدهم تا آغاز سده هیجدهم میلادی را نگاشت.

8. William Alexander

9. Christoph Meiners

کریستوف ماینرز، در آلمان طی سال‌های ۱۸۰۰-۱۷۸۸ م به بررسی تاریخ زنان پرداخت.

10. Peter Burke, (1988), "Ranke the reactionary", p. 4.

11. Johann Jakob Brucker

12. Johann Gottfried Eichhorn.

یوهان گانفرید ایچ‌هورن آلمانی از اعضای مکتب تاریخ گوتینگن.

13. August Schlözer

آگوست شلوتزر، مورخ آلمانی و از اعضای مکتب تاریخ گوتینگن.

14. Peter Burke, (1988), "Ranke the reactionary", p. 4

بود. روابط او با یاکوب بورکهارت^۱ مورخ سونیسی هنر و فرهنگ، بیانگر وسعت نظر و پیچیدگی تفکرات رانکه است. باوجوداین، تاریخ‌نگاری رانکه‌ای بیشتر بر دولت و موضوع‌های سیاسی متمرکز گردید. چرا پارادایم رانکه‌ای بر دولت و سیاست تمرکز یافت؟ آیا این رویکرد بیانگر ارتجاع و واپس‌گرایی تاریخ‌نگاری او بود؟

سده نوزدهم میلادی که به برآمدن تاریخ‌نگاری عالمانه انجامید، دوره برومند امر واقع، عصر حوادث بزرگ سیاسی، گسترش ناسیونالیسم و ظهور ملت‌های جدیدی بود که ذهن تاریخ‌نگاران را به خود جلب می‌کرد. افزون‌براین، مورخان بزرگ آلمان سده نوزدهم میلادی از جمله لئوپلد فن رانکه، فریدریش کریستوف دهلمان،^۲ بارتولد گئورگ نیبور،^۳ گئورگ وایتز،^۴ فریدریش ویلهلم فن گیزبرت،^۵ یوهان گوستاو درویزن،^۶ لودویگ هاوسر،^۷ ماکسیمیلیان ولفگانگ دونکر،^۸ هاینریش فن سیبل،^۹ هاینریش فن تراپچکه^{۱۰} و تئودور مومزن^{۱۱} متوجه سلطه و حیات تاریخی دولت پروس بودند. برخی مورخان از جمله مومزن مورخ تاریخ باستان و رودلف ویرهاوس^{۱۲} بر این باور بودند که رانکه نه تنها به تاریخ سیاسی

1. Jakob Burckhardt

یاکوب بورکهارت، نویسنده و مورخ سونیسی که از بنیان‌گذاران تاریخ فرهنگی بود.

2. Friedrich Christoph Dahelman

فریدریش کریستوف دهلمان، مورخ آلمانی که آثاری درباره تاریخ آلمان، انگلستان و فرانسه نگاشت.

3. Barthold Georg Niebuhr

بارتولد گئورگ نیبور، از فلاسفه انتقادی تاریخ که افکار او بر رانکه تأثیرگذار بود.

4. Georg Waitz

گئورگ وایتز، مورخ آلمانی و شاگرد رانکه که آثاری درباره تاریخ قرون وسطی نگاشت.

5. Friedrich Wilhelm von Giesebrecht

فریدریش ویلهلم فن گیزبرت، مورخ آلمانی و شاگرد رانکه که آثاری درباره تاریخ آلمان نگاشت.

6. Johann Gustav Droysen

یوهان گوستاو درویزن، متفکر و مورخ آلمانی که به معرفت‌شناسی تاریخی و روش‌شناسی علم تاریخ پرداخت.

7. Ludwig Häusser

لودویگ هاوسر، مورخ آلمانی که آثاری درباره تاریخ آلمان نگاشت.

8. Maximilian Wolfgang Duncker

ماکسیمیلیان ولفگانگ دونکر، مورخ آلمانی که آثاری درباره جهان باستان نگاشت.

9. Heinrich von Sybel

هاینریش فن سیبل، مورخ آلمانی و از شاگردان رانکه که آثاری درباره تاریخ قرون وسطی نگاشت.

10. Heinrich von Treitschke

هاینریش فن تراپچکه، مورخ آلمانی سده نوزدهم میلادی که از ستایشگران جنگ و افتخارات نظامی بود.

11. Theodor Mommsen

تئودور مومزن، مورخ آلمانی که بر نگارش دقیق گذشته تأکید داشت.

12. Rudolf Vierhaus

رودلف ویرهاوس، مورخ آلمانی که آثاری درباره تاریخ آلمان نگاشت.

و تاریخ قدرت‌های بزرگ، بلکه به تاریخ فرهنگی نیز توجه داشته است؛ ازاین‌رو مومزن به بررسی تاریخ‌نگاری رانکه به‌عنوان مورخی اجتماعی پرداخت و به شواهدی از تحلیل ادبیات دورهٔ ملکه الیزابت در تاریخ انگلستان او اشاره کرد.^۱

تمایل رانکه به دنیای سیاست از سال ۱۸۲۴ م و زمان نگارش تاریخ ملت‌های لاتین و توتونی آغاز شده بود؛ افزون‌براین، گزارش سفیران در کتابخانه‌های سلطنتی که سرشار از جزئیات زندگی سیاسی آنان بود، تأثیرات عمیقی بر زندگی حرفه‌ای رانکه به‌عنوان مورخ گذاشت و باعث شد تا او هر چه بیشتر به تاریخ سیاسی علاقه‌مند گردد.^۲ ازاین‌رو، رانکه در بیشتر پژوهش‌های تاریخی بر جنگ، دیپلماسی و کُشگری سیاستمداران تأکید داشت و در پی درک نظم و سامان سیاسی در بستر تاریخی‌اش بود. تمایل به تاریخ سیاسی، رانکه را بر آن داشت تا با استفاده از اسناد کتابخانهٔ سلطنتی برلین به بازتعریف تاریخ اروپا از دورهٔ رنسانس تا انقلاب فرانسه بپردازد. افزون‌براین، تثبیت پارادایم رانکه مقارن با تأسیس امپراتوری آلمان تحت سیطرهٔ پروس با صدراعظمی اتو فن بیسمارک^۳ بود. از نظر سیاسی، رانکه مورخی محافظه‌کار بود و سیاست دولت پروس را می‌ستود و بیسمارک او را در دنیای سیاست هم‌رأی و هم‌صدا با خود می‌دانست که احترامی غیر معمول به جایگاه شامخ رانکه و بصیرت و تدبیر او بود^۴ و حتی از پاره‌ای ایده‌های او برای توجیه سیاست‌های مستبدانه بیسمارک استفاده گردید.^۵

رانکه با تمجید از قدرت سیاسی، دول اروپا را مظهر ارادهٔ خداوند می‌دانست. برداشت او از دولت، متکی بر واقعیت‌های سیاسی پروس پیش از سال ۱۸۴۸ م و قبل از استقرار نهادهای انتخابی و پیش از صنعتی شدن و لوازم اجتماعی آن بود.^۶ رانکه با موضعی نزدیک

1. Andreas Boldt, (n.d), "Perception, Depiction and Description of European History: Leopold von Ranke and his Development and Understanding of Modern Historical Writing", *Historical Perspectives*, p. 6.

2. Antoine Guillaud, (1915), *Modern Germany and Her Historians*, London: JarroldandSons, p. 90.

3. Otto von Bismarck

اتو فن بیسمارک شاهزاده و سیاستمدار آلمانی، از مدافعان سیاست واقعیات در آلمان که وحدت آلمان مدیون تلاش‌های او بود.

4. M. A. Fitzsimons, (1980), "Ranke: History as Worship", *The Review of Politics*, Vol. 42, No. 4, p. 542.

5. Ernst Breisach, (2007), *Historiography: Ancient, Medieval and Modern*, University of Chicago Press, pp. 233-234.

6. Georg G. Iggers, (1997), *Historiography in the Twentieth Century: From Scientific Objectivity to the Postmodern Challenge*, Wesleyan University Press, p. 5.

به ادموند برک^۱ بر این باور بود که دولت‌ها هویت ویژه‌ای دارند. افزون‌براین، نگاهی تاریخی دولت‌محور رانکه با استفاده از اسناد آرشیوهای ملی، به دلیل جایگاه خاصی بود که دولت در سنت آلمانی دوره رانکه داشت و همچنین متأثر از تلاش‌های صدراعظم بیسمارک بود که برای سامان سیاسی آلمان قدرتمند می‌کوشید. البته در این راستا، رانکه بی‌تأثیر از اندیشه‌های گئورگ ویلهلم فریدریش هگل^۲ درباره دولت نبود؛ اگرچه از فلسفه او انتقاد می‌کرد.

تمرکز بر تاریخ دولت‌ها و سیاسی‌نگاری، دلایل دیگری از جمله استفاده از ابزاری حکومت‌های اروپایی از تاریخ برای رشد و ارتقای وحدت ملی، تبلیغات ناسیونالیستی، تشویق وحدت و یکپارچگی سیاسی داشت. به‌طوری‌که حکومت‌ها برای تاریخ دولت‌محور هر بهایی می‌پرداختند. ازاین‌رو، میان مورخان و حکومت‌ها به‌ویژه در آلمان، بیش از هر جای دیگر پیوندهای قوی برقرار شده بود.^۳ تا سال ۱۸۷۱ م، آلمان نه دولت ملت، بلکه مجموعه‌ای از ایالت‌های جدا از هم بود که با حمله‌های ناپلئون و بالیدن گرایش‌های ملی‌گرایانه، آلمان‌ها دل در گرو اتحاد آلمان و تاریخ ملی نهادند. در این راستا، باید به تاریخ دولت‌محور رانکه توجه داشت. او دوازده جلد از پنجاه‌وچهار جلد آثار خود را به تاریخ پروس و ظهور آن اختصاص داده بود. به باور رانکه، پروس تاریخی ناگسسته و روحی عاری از تحریف داشت و به‌سوی قدرتی بزرگ در حرکت بود. اگرچه رانکه متولد پروس نبود و در بخشی از پادشاهی ساکسونی به دنیا آمده بود، منطقه‌ای که سال ۱۸۱۵ م ضمیمه پروس شد؛ لیکن به اقتدار دولت مستقل پروس می‌بالید.

رانکه با ستودن قدرت‌های بزرگ روزگارش، آنها را تجسم سیاسی روح ملت‌های اروپایی می‌دانست. ازاین‌رو، با تأکید بر اهمیت تاریخی دولت‌ها، هرگونه چالش انقلابی یا اصلاحات گسترده برای فروپاشی و تضعیف نهادهای مستقر سیاسی و اجتماعی را نقض روح تاریخی می‌دانست و با آن مخالف بود. رانکه سعی داشت تا سامان سیاسی موجود را

1. Edmund Burke

ادموند برک، متفکر سیاسی که هرگونه چالش در برابر نهادهای سیاسی و اجتماعی مستقر به‌واسطه اصلاحات وسیع یا انقلابی را تجاوز به روح تاریخ می‌دانست.

2. Georg Wilhelm Friedrich Hegel

گئورگ ویلهلم فریدریش هگل، متفکر آلمانی و از فلاسفه نظری تاریخ با تأکید بر پیشرفت روح در تاریخ بر این باور بود که گسترش کامل روح در وجود دولت تجسم می‌یابد.

۳. پیتر برک، ۱۳۷۹، «ضرورت همگرایی نظریه اجتماعی و تاریخ»، در: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ترجمه و تدوین حسینعلی نودری، تهران، طرح نو، ص ۴۱۶.

آن گونه نشان دهد که خواست و اراده خداوند بوده است. از نظر او، تاریخ دنیای جدید نشانه استواری نهادهای سیاسی و اجتماعی دولت پروس عصر بازگشت بود که در آن آزادی مدنی و مالکیت خصوصی زیر سایه پادشاهی نیرومند و خدمات مدنی روشنگرانه رونق گرفته بود؛ ازاین رو، در تلقی رانکه از تاریخ، دولت در کانون قرار داشت.^۱

فهم روش‌شناسی تاریخ‌نگاری رانکه‌ای دشوار و پیچیده است؛^۲ زیرا او اثری روش‌شناسی ننگاشت، آنچه روشن است، او بر نگارش بی‌طرفانه، نقد منابع، استفاده از منابع و اسناد آرشیوی، سمینارهای آموزشی و گزارش‌های سیاسی تأکید داشت. بارزترین ویژگی تاریخ‌نگاری رانکه‌ای، قاعده «گذشته همان‌طوری که واقعاً اتفاق افتاده است» بود که در مقدمه کتاب تاریخ ملت‌های لاتین و توتونی به آن اشاره شده است. قاعده‌ای که پیشینه آن به سده شانزدهم میلادی بازمی‌گشت و تفاسیر و کج‌فهمی‌هایی از جمله پوزیتیویست خواندن رانکه را در پی داشت و به بحث تاریخ‌نگاری پوزیتیویستی او دامن زد. باید توجه داشت که رانکه از نسبی بودن و امکان تاریخی قاعده‌اش آگاه بود. فراخوان رانکه، اگرچه متأثر از فضای پوزیتیویستی سده نوزدهم میلادی بود؛ لیکن بر دقت و بی‌طرفی، نگارش تاریخ فارغ از مقاصد سیاسی و اصالت منابع آرشیوی و اسناد تأکید داشت.

تجارب آرشیوی به رانکه آموخته بود که رجوع به آرشیوها و اسناد، نگارش تاریخ بی‌طرفانه دقیق و به دور از تمایلات شخصی و سیاسی را ممکن می‌ساخت. منابع آرشیوی، کانون پژوهش‌های تاریخی رانکه بود؛ ازاین رو، او سخت‌کوشانه تلاش‌های گسترده‌ای برای جمع‌آوری اسناد و مدارک آرشیوی انجام داد. آرشیوها علاوه بر مستندسازی گذشته و گردآوری و ثبت اطلاعات دولت‌ها در بقای آنها و حفظ وضع موجودشان نقش مهمی داشتند. رانکه مدعی بود با آموزش مورخان و دسترسی به آرشیوها که فکت‌های تاریخی در آنجا آرمیده بود، می‌توان به دور از تمایلات شخصی و وفاداری‌های سیاسی، تاریخ واقعی ننگاشت. تاریخ‌نگاری فکت‌بنیاد و سنده‌محور رانکه در پی نگارش واقعی و دقیق گذشته بود. هدفی که بررسی آثار تاریخی متناقض و گاه نادرست کلاسیک به تشدید وسواس آن انجامید. رانکه با نفی داور و قضاوت گذشته، در پی نشان دادن گذشته‌ای بود که واقعاً اتفاق افتاده است^۳ و این به معنای نخستین گام در تاریخ‌نویسی و غور و تعمق در منابع برای

1. Georg G. Iggers, (1997), *Historiography in the Twentieth Century: From Scientific Objectivity to the Postmodern Challenge*, Wesleyan University Press, p. 26.

2. James M. Powell, (1988), "The confusing and ambiguous legacy of Leopold von Ranke", *Syracuse Scholar* (1979-1991), Vol. 9. pp. 3-7.

۳. مایکل استفورد، ۱۳۹۱، درآمدی بر تاریخ‌پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، تهران، سمت، ص ۱۹۶.

تشریح وحدت و پیشرفت وقایع بود.^۱

در این کتاب به ترجمه و تدوین شش مقاله درباره تاریخ‌نگاری، روش و پارادایم رانکه‌ای پرداخته‌ایم. مقاله نخست با عنوان «تمایل رانکه به آرشیوها: موقعیت و شواهد در تاریخ‌نگاری نوین» نوشته کاسپر ریسبرگ اسکیلدسن؛ مقاله دوم با عنوان «فهم، نگارش و شرح تاریخ اروپا: لنوئلدن رانکه، تحول و فهم او از نگارش تاریخی نوین» نوشته آندره‌آس بولت؛ مقاله سوم با عنوان «بازتاب رانکه در تفکر تاریخی آمریکا و آلمان» نوشته گئورگ ایگرس؛ مقاله چهارم با عنوان «رانکه: تاریخ به مثابه پرستش‌گری» نوشته متیو فیتزسیمون؛ مقاله پنجم با عنوان «ماینکه و مسئله رانکه - بورکهارت» نوشته جان هراکلیس و مقاله پایانی با عنوان «بحران پارادایم رانکه‌ای در سده نوزدهم» که توسط گئورگ ایگرس نگاشته شده است.

۱. جان لونیس گدیس، ۱۳۷۹، «تأملی در تاریخ معاصر»، در: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری، تهران، طرح نو، ص ۵۳۵.

کتاب‌شناسی

- استفورد، مایکل، ۱۳۹۱، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران، سمت، چ ۵.
- برک، پیتر، ۱۳۷۹، «ضرورت همگرایی نظریه اجتماعی و تاریخ»، در: *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*، ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری، تهران، طرح نو.
- ب، فراید، ادموند، ۱۳۸۵، «تاریخ‌نگاری و روش‌شناسی تاریخی»، در: *تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی*، گری. جی. همیلتون، رندال کولینز و دیگران، ترجمه هاشم آقاجری، تهران، کویر.
- گدیس، جان لونس، ۱۳۷۹، «تأملی در تاریخ معاصر»، در: *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*، ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری، تهران، طرح نو.
- Boldt, Andreas, (n. d), "Perception, Depiction and Description of European History: Leopold von Ranke and his Development and Understanding of Modern Historical Writing", *Historical Perspectives*, pp. 1-17. http://www.gla.ac.uk/media_64280_en.pdf.
- Breisach, Ernst, (2007), *Historiography: Ancient, Medieval and Modern*, University of Chicago Press.
- Fitzsimons, M. A, (1980), "Ranke: History as Worship", *The Review of Politics*, Vol. 42, No. 4.
- Guiland Antoine, (1915), *Modern Germany and Her Historians*, London: Jarrold & Sons.
- Iggers, G. G, (1997), *Historiography in the Twentieth Century: From Scientific Objectivity to the Postmodern Challenge*, Wesleyan University Press.
- Peter, Burke, (1988), "Ranke the reactionary", *Syracuse Scholar (1979-1991)*, Vol. 9.
- Powell, James M, (1988), "The confusing and ambiguous legacy of Leopold von Ranke", *Syracuse Scholar (1979-1991)*, Vol. 9.

فصل اول: تمایل رانکه به آرشیوها: موقعیت و شواهد در تاریخ‌نگاری نوین^۱

لئوپلد رانکه مورخ آلمانی از سال ۱۸۲۷ تا ۱۸۳۱ م به آلمان، استرالیا و ایتالیا برای یافتن اسناد و آرشیوها مسافرت کرد. در این سفرها، رانکه الگوی جدیدی برای پژوهش‌های تاریخی به وجود آورد؛ به‌طوری‌که بایگانی‌ها و آرشیوها به‌عنوان مهم‌ترین مکان برای تولید دانش تاریخی تبدیل شدند. رانکه مدعی بود که مورخ کارآزموده می‌تواند در چهارچوب بایگانی‌ها و آرشیوها، تمایلات شخصی و وابستگی‌های سیاسی‌اش را فراموش کند و تاریخ بی‌طرفانه بنویسد. این مقاله با بررسی موانع، ناکامی‌ها و توفیقات رانکه در سفرهایش با دیدگاهی انتقادی به الگوی او برای پژوهش‌های تاریخی می‌پردازد. این پژوهش نشانگر آن است که چگونه تجربیات آرشیوی رانکه الفاکر آن بود تا از هویت خویش به‌عنوان یک مورخ و در مقام یک انسان، ارزیابی مجدد به عمل آورد و همچنین پاره‌ای از پیوستگی‌های میان الگوی رانکه برای پژوهش‌های تاریخی و واقعیات سیاسی نظم اروپایی شاهزاده مترنخ را بررسی خواهد کرد. سرانجام این مقاله به مقایسه رشته تاریخ مورد نظر رانکه با دیگر رشته‌های سده نوزدهم میلادی از جمله مردم‌شناسی و باستان‌شناسی خواهد پرداخت.

۱. کاسپر ریسبرگ اسکیلدسن، گروه مطالعات فلسفه و علم، دانشگاه روسکیلد، دانمارک.
این مقاله ترجمه‌ای است از:

Kasper Risbjerg Eskildsen, (2008), "Leopold Ranke's Archival Turn: Location and Evidence in Modern Historiography", *Modern Intellectual History*, Vol.5, (3), no. 3, pp. 425-453.

نسخه‌هایی از این مقاله در سمینارهایی درباره شناخت در علوم انسانی در موسسه تاریخ علم ماکس پلانک، برلین، آلمان، بیست و چهار و بیست و پنج اوت ۲۰۰۶ م و مطالعات میدانی در شهرک سندیا، دانمارک، بیست و سه تا بیست و پنج نوامبر ۲۰۰۶ م ارائه شده است.

مقدمه

بعد از انقلاب ۱۸۳۰ م فرانسه معروف به انقلاب ژوئیه، موج جدیدی از شور انقلابی اروپا را درنوردید. در مدت زمانی کوتاه، بلژیکی‌ها استقلال خود را از هلند اعلام کردند و لهستانی‌ها علیه ستم روس‌ها شوریدند. جنگ داخلی میان کشیش‌ها و آزادی‌خواهان در اسپانیا و پرتغال آغاز گردید. ناآرامی و آشوب در سراسر آلمان و ایتالیا گسترش یافت و لحظه‌به‌لحظه سلطه اتریش - پروس، اتحادیه آلمان^۱ و سیطره اتریش، شبه‌جزیره ایتالیا را تهدید می‌کرد. آزادی‌خواهان هوادار قانون اساسی، امید و نیروی تازه‌ای یافتند. انقلاب ژوئیه نه‌تنها به سلطنت بوربون‌ها پایان داد؛ بلکه وضعیت اروپا براساس کنگره وین را نیز از هم گسیخت و حاکمیت داخلی سیستم پرنس مترنیک^۲ که براساس اقتدار سلطنتی و نظارت دیوان‌سالاری متمرکز و سانسور بازدارنده بود را به چالش کشانید.^۳

لئوپلڈ رانکه که در اواخر تابستان و پاییز سال ۱۸۳۰ م در ونیز ساکن شده بود به وحشت افتاد. رانکه، اگرچه هرگز فردی انقلابی نبود؛ لیکن با آرمان دموکراتیک و آزادی‌خواهی در دهه‌های ۱۸۱۰ و ۱۸۲۰ م همدردی نشان داده بود. اکنون او تنها ویرانی و آشوب می‌دید. او که در مواجهه با این شرایط در نامه‌های خود ابراز ناراحتی می‌کرد، ناگهان خویش را در مخالفت قاطع با افکار عمومی می‌دید. رانکه نگران بود که پیش از بازگشت او به وطن، توده عوام^۴ آلمان را تسخیر کرده باشند؛ درحالی‌که او نمی‌توانست حاکمیت کارگران و ولگردان را بپذیرد. او یاهوگویی مداوم درباره حکمرانی را تهدیدی برای صلح اروپا می‌دانست. او روحیه انقلابی جدید را نوعی بیماری مُسری توصیف می‌کرد و از فاجعه‌ای وحشتناک و زمانه‌ای بسیار ناگوار خبر می‌داد.^۵ با ورود بی‌مخاطره رانکه به برلین در مارس سال ۱۸۳۱ م او با همکاران و دوستان خود به گفتگو درباره چگونگی به‌کارگیری مطالعات تاریخی برای

1. German Bund

2. Prince Metternich

کلمنس فُن مترنیک، سیاستمدار آلمانی که به دولت اتریش پیوست و با روحیه وطن‌پرستی بیگانه بود.

3. Paul W. Schroeder, (1994), *The Transformation of European Politics 1763-1848*, Oxford, pp. 666-711.

4. Plebes.

5. Leopold von Ranke, (1949), *Das Briefwerk*, Ed. W.P. Fuchs. Hamburg: Hoffmann und Campe, pp. 222-232. All translations, unless otherwise noted, are my own.

ممانعت از وحشت‌های ناشی از آزادی‌خواهی پرداخت.^۱ فریدریش پرتس^۲ ناشر رانکه، احساسات او را در دسامبر سال ۱۸۳۰ م در نامه‌ای به دربار مترنخ، فریدریش فُن گوتز^۳ در وین بیان کرده است. پرتس از تجزیه اروپای یکپارچه خبر داده بود؛ به‌طوری‌که مردمان پست. یکی پس از دیگری، سراسیمه شاهزادگان را نه بر مبنای حق الهی برمی‌گزیدند؛ از این رو، او بر ضد حمله فکری متقابلی دست زد:

«وقت آن است که از افکار عمومی در مقابل فساد و تباهی جدید محافظت کرد؛ می‌توان روزنامه‌ها را محدود کرد که اقدامی توجیه‌پذیر است؛ اما هیچ نیرویی قادر نیست، سیل جزوات، اعلامیه‌ها و هر نوع نوشته‌ای را متوقف کند. تقسیم آلمان، سرشت ادبیات ما و تبادل کتاب، هرگونه اقدام پیشگیرانه در مقابل آنان را بی‌نتیجه خواهد گذاشت. تنها دفاع در برابر دروغ آن است که اجازه دهید، حقیقت شنیده شود که هنوز قدرتمند است... زمانی که همه‌چیز زیر سوال می‌رود، همه آنانی که حق و حقیقت را گرامی می‌دارند، هر لحظه باید آنچه را که می‌توانند در موقعیت خود انجام دهند».^۴

نخستین اثر رانکه بعد از انقلاب ژوئیه، کتابچه کوچکی با عنوان «دربارۀ توطئه برضد وینز در سال ۱۶۱۸» بود.^۵ این کتاب که در اواسط ماه اوت و دسامبر سال ۱۸۳۰ م در وینز نوشته شده و در تابستان سال ۱۸۳۱ م در برلین به چاپ رسید، خلاصه‌ای از برخی یافته‌های رانکه در بایگانی‌های اتریش و ایتالیا بود.^۶ ظاهراً این کتاب، ارتباطی با اوضاع سیاسی معاصر نداشت. هنگامی که رانکه نخستین بار در فوریه سال ۱۸۳۱ م آن را به پرتس پیشنهاد کرد، تردید داشت که به چاپ دوم برسد. او تصور می‌کرد که با گذشت زمان، احتمالاً هفتصد و پنجاه نسخه از آن به فروش خواهد رسید.^۷ رانکه در نامه‌ای توضیح داده بود که این

6. Theodore H. von Laue, (1950), *Leopold Ranke: The Formative Years*, Princeton, pp.89–108; Siegfried Baur, (1998), *Versuch über die Historik des jungen Ranke*, Berlin, pp. 123–155; John Edward Toews, (2004), *Becoming Historical: Cultural Reformation and Public Memory in Early Nineteenth-Century Berlin*, Cambridge, pp. 374–380.

1. Friedrich Perthes

2. Friedrich von Gentz

فریدریش فُن گوتز، دیپلمات و نویسنده آلمانی که در کنگره وین نقش مهمی داشت.

3. Friedrich von Gentz, (1909-13), *Briefe von und an Friedrich von Gentz*, ed. F. C. Wittichen, 4vols, Munich, 1, p. 345.

4. Leopold von Ranke, (1831), *Ueber die Verschwörung gegen Venedig, im Jahre 1618. Mit Urkunden aus dem Venezianischen Archive*, Berlin.

5. Leonard Krieger, (1977), *Ranke: The Meaning of History*, Chicago, pp.148–149; Ugo Tucci, (1974), "Ranke Storico di Venezia", in Leopold von Ranke, *Venezia nel Cinquecento*, trans. Ingeborg Zapperi Walter, Rome, pp.1–69.

6. Leopold von Ranke, (1949), *Das Briefwerk*, p. 231.

توطئه: «کهن، پیچیده ... [و] به نوبه خود، موضوع مهمی نبوده است».^۱ با وجود این، کتاب رانکه نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری نوین بود.

رانکه در طی دهه ۱۸۳۰ م، شهرت خود را به‌عنوان مورخ برجسته آلمانی تثبیت کرد. او در سال ۱۸۳۲ م همراه با پرتس، مجله سیاسی تاریخی^۲ را بنیان نهاد. در اواسط دهه ۱۸۳۰ م او تدریس شیوه‌های مشهور خود را در دانشگاه برلین آغاز کرد که در اواخر سده نوزدهم میلادی برای رانکه شهرتی به‌عنوان بنیان‌گذار رشته آموزشی تاریخ را در پی داشت.^۳ کتاب رانکه درباره ونیز به این اتفاق کمک کرد. این کتاب به ارائه الگویی پرداخت که مورخان چگونه باید کار کنند و آرشیوها را به‌عنوان مهم‌ترین مکان برای تولید دانش تاریخی تثبیت کرد. این تمایل به آرشیوها در تاریخ‌نگاری نوین و چرخش سیاسی هم‌زمان رانکه باهم دیگر بی‌ارتباط نبودند.

از آغاز سده بیستم میلادی، مورخان جایگاه رانکه را به‌عنوان برجسته‌ترین نماینده تاریخ علمی و عینیت‌گرا به چالش کشیدند. تأثیرپذیری رانکه از باورهای مذهبی و فلسفی اوایل سده نوزدهم میلادی تأیید شده است و بسیاری به تمایلات سیاسی او در نوشته‌هایش به‌ویژه در مجله سیاسی تاریخی او اشاره کرده‌اند.^۴ جان تویوز،^۵ اخیراً آثار تاریخی رانکه را خلاصه کرده است: «اکنون به نظر، انواعی از داستان‌پردازی‌اند که از آرمان‌ها و اهداف برخاسته از زمانه، فرهنگ و جایگاه او خبر می‌دهند».^۶ این انتقادهای قابل‌بازبینی، نخست به هدف تاریخ‌نگاری کمک می‌کنند. منتقدان اخیر، همانند پیشینیان آنها برای رسمیت بخشیدن به معیارهای معاصر تحقیقات تاریخی و تاریخ‌نگاری درباره رانکه نوشته‌اند. تجسم رانکه به‌عنوان معیار یا الگویی برای تقلید، دیگر به کار نمی‌رود؛ بلکه در عوض شواهدی ارائه

7. Leopold von Ranke, (1949), *Neue Briefe*. Ed. B. Hoefft. Hamburg: Hoffmann und Campe, p. 158.

1. Historisch politisch Zeitschrift

۲. اگرچه شیوه‌های رانکه، سمینار نامیده نمی‌شد؛ اما سمینارها ایده رانکه بود و شیوه‌های او الگویی برای همه سمینارهایی گردید که اکنون در دانشگاه‌ها مرسوم‌اند؛ همچنین در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، شاگردان سابق رانکه بودند که سمینارها را در آلمان بنیان نهادند.

3. Friedrich Meinecke, (1936), *Die Entstehung des Historismus*, Munich; E. Shulin, (1928), *Ranke und Hegel*, Munich; von Carl Hinrichs, (1954), *Ranke und die Geschichtstheologie der Goethezeit*, Göttingen; Georg G. Iggers, (1968), *The German Conception of History: The National Tradition of History Thought from Herder to the Present*, Middletown, Conn: Wesleyan University Press.

4. John Toews

5. John Toews. (2004), *Becoming Historical: Cultural Reformation and Public Memory in Early Nineteenth-Century Berlin*, p. 373.

می‌دهد که این رشته، از دانش تاریخ اواخر سده نوزدهم میلادی فراتر رفته است.^۱ این رویکرد قابل‌بازبینی، برخی پیامدهای تأسف‌آور در پی داشته است. در دهه‌های اخیر، مطالب چندانی درباره پژوهش‌ها و شیوه آموزشی رانکه نوشته نشده است؛ درحالی‌که بسیاری از ستایشگران سده نوزدهم میلادی او، دستاوردهای بسیار مهم رانکه را در رشته تاریخ بررسی کرده‌اند. باوجوداینکه مورخان بر چگونگی تأثیرپذیری مضامین فلسفی، سیاسی و مذهبی در آثار تاریخی رانکه تمرکز کرده‌اند، آنان بینش ضعیف‌تری نسبت به چگونگی الگوی نوین رانکه در حوزه پژوهش‌های تاریخی جهت بازتعریف این مضامین برای نسل‌های آینده ارائه کرده‌اند. ازی‌رو، این منتقدان اغلب این واقعیت را نادیده گرفته‌اند که پژوهش‌ها و شیوه‌های آموزشی رانکه نه تنها محصول شرایط سیاسی بود؛ بلکه کمک می‌کرد به فهم اینکه مورخان سده نوزدهم و خوانندگان آنها کدام باورها را پذیرفته‌اند.^۲ به نظر، پذیرش سیاست‌های ضدانقلابی اتریش و پروس بعد از ماه ژوئیه سال ۱۸۳۰ م، نخستین نمونه این باورها بود. دیدگاه سیاسی خاص رانکه، همانند تعریف او از رشته تاریخ، بسیار متأثر از تجربیات آرشیوی در اواخر دهه ۱۸۲۰ م بود.

حوزه‌های تاریخ

رشته‌های نوین سده نوزدهم میلادی، غالباً هویت خود را از طریق اشراف بر حوزه‌های تخصصی تولید دانش، تعریف و توجیه می‌کردند.^۳ رشته‌های نوین فیزیک و شیمی در

6. Peter Novick, (1988), *That Noble Dream: The "Objectivity Question" and the American Historical Profession*, Cambridge, pp. 21–46 and pp. 573–629; Georg G. Iggers, (1997), *Historiography in the Twentieth Century: From Scientific Objectivity to the Postmodern Challenge*, Middletown, pp. 141–147; Georg G. Iggers, (1962), "The Image of Ranke in American and German Historical Thought", *History and Theory*, Vol. 2, No., pp. 17–40.

1. Wolfgang J. Mommsen, (1988), *Leopold von Ranke und die Moderne Geschichtswissenschaft*, Stuttgart; Georg G. Iggers, James M. Powell, (1990), *Leopold Von Ranke and the Shaping of the Historical Discipline*, Syracuse; B. G. Smith, *The Gender of History: Men, Women, and Historical Practice*, Cambridge; Philipp Müller, (2004), "Überlegungen zu lokal-spezifischen Praktiken in der Geschichtswissenschaft und ihrer epistemischen Bedeutung im 19. Jahrhundert. Ein Literaturbericht", *Historische Anthropologie*, Vol. 12, No. 3, pp. 415–433.

2. David Cahan, (2003), "Institutions and Communities", in David Cahan, ed., *From Natural Philosophy to the Sciences: Writing the History of Nineteenth-Century Science*, Chicago, pp. 291–328; David Livingstone, (2003), *Putting Science in Its Place: Geographies of Scientific Knowledge*, Chicago; Nicholas Jardine, (2000), *The Scenes of Inquiry: On the Reality of Questions in the*

آزمایشگاه‌های تخصصی آموزشی از جمله در یوستوس فُن لیبیگ^۱ در گیسن و فرانز نویمان^۲ در کونیگسبرگ^۳ تأسیس شدند.^۴ باستان‌شناسی و مردم‌شناسی نوین تحت پوشش موزه‌هایی همچون کریستین یورگنسن تامسن^۵ برای نوردیک باستان در کپنهاگ و موزه آدلف باستیان^۶ برای قوم‌نگاری در برلین قرار گرفتند.^۷ این مکان‌های تولید دانش، مرزهای هر رشته را از همدیگر متمایز کرده و فضاهایی را برای آموزش تخصصی نوآموزان فراهم می‌کردند. موارد مشهور و مستندی از جمله لیبیگ، نویمان، تامسن و باستیان نمونه‌های روشنی از الگو و شکل‌گیری رشته‌ها را ارائه کردند. فضاهای پژوهشی و آموزشی به‌سادگی تعریف و مشخص شده بودند. هر شخص می‌توانست از موزه‌های تامسن و باستیان یا آزمایشگاه‌های لیبیگ و نویمان بازدید کند. در ضمن این آزمایشگاه‌ها و موزه‌ها، اصولاً مکان معینی نداشتند. در این فضاها، اشیاء را جدا از بافت و زمینه آنها مطالعه می‌کردند. نمونه‌های طبیعی و ابزارآلات پیش‌ازتاریخ را از مبدأ نخست برای مطالعه و بررسی منتقل می‌کردند. طبقه‌بندی‌های قوم‌شناختی و نتایج آزمایشگاهی در هر جایی تکرارپذیر بودند. آرشیهایی که رانکه در آنها کار می‌کرد، کاملاً شبیه به موزه‌ها و آزمایشگاه‌های پیش توضیح داده شده نبودند که بیشترین توجه را در تاریخ علم به خود جلب کرده است.

Sciences, Oxford, esp pp. 274–87; Adi Ophir and Steven Shapin, (1991), "The Place of Knowledge: A Methodological Survey", *Science in Context*, Vol. 4, No. 1, pp. 3–21; Steven. Shapin, (1998), "Placing the View from Nowhere: Historical and Sociological Problems in the Location of Science", *Transactions of the Institute of British Geographers*, Vol. 12, pp. 5–12.

1. Justus von Liebig

2. Franz Neumann

3. Königsberg

4. Frederic Lawrence Holmes, (1989), "The Complementarity of Teaching and Research in Liebig's Laboratory", *Osiris*, Vol. 5, pp. 121–164; Kathryn M. Olesko, (1991), *Physics as a Calling: Discipline and Practice in the K'önigsberg Seminar for Physics*, Ithaca, NY.

5. Christian Jürgensen Thomsen

6. Adolf Bastian

7. Jørgen Jensen, (1992), *Thomsens museum: historien om Nationalmuseet*, Copenhagen; Andrew Zimmerman, (2001), *Anthropology and Antihumanism in Imperial Germany*, Chicago; H. Glenn Penny, (2002), *Objects of Culture: Ethnology and Ethnographic Museums in Imperial Germany*, Chapel Hill; Susan A. Crane, (2000), *Collecting and Historical Consciousness in Early Nineteenth-Century Germany*, Ithaca, NY; James Sheehan, (2000), *Museums in the German Art World*, Oxford; Wolfgang Ernst, (2003), *Im Namen der Geschichte: Sammeln-Speichern-Er/Zählen. Infrastrukturelle Konfiguration des deutschen Gedächtnisses*, Munich.

رانکه برای بازدید از آرشیوها، ماه‌ها مسافرت می‌کرد. این کار به مساعدت آرشیوداران و به‌ویژه سخاوت دیوان‌سالاران و صاحبان ناراضی اسناد بستگی داشت. مورخان دیگر، به اعتبار شخصی رانکه باور داشتند. اگر رانکه، نقل قول دقیقی را بیان می‌کرد و یا شواهد مهمی را تحریف و یا نادیده می‌گرفت، کسی نمی‌توانست بی‌درنگ در مورد آن تحقیق و بررسی کند. مورخان آلمانی در سده نوزدهم میلادی بسیاری از منابع را ویرایش و منتشر کردند و مهم‌تر از همه، مجموعه راهنمای تاریخ آلمان^۱ بود که عملکردهای پژوهشی آنان را دقیق‌تر می‌کرد.^۲ باوجود این، پژوهش‌های آرشیوی با کارهای میدانی شباهت داشت تا تجارب آزمایشگاهی و تحقیقاتی که براساس پژوهش در موزه‌ها انجام می‌گرفت. پژوهش‌های آرشیوی همانند تحقیقات میدانی به شرایط مکانی، رسومات فرهنگی، ابتکار و مهارت‌های حرفه‌ای بستگی داشت. همچنان که رابرت کوهرل^۳ درباره حوزه‌های مطالعاتی زیست‌شناختی ادعا کرده بود، آن شیوه‌ها: «نه فعالیت در آزمایشگاه‌هایی که مکان معینی نداشتند؛ بلکه فعالیت‌های میدانی» بودند.^۴

مورخان علم، اغلب به تفاوت جایگاه میان فیلسوفان طبیعی با گردآورندگان محض اطلاعات اشاره کرده‌اند.^۵ دانشمندان فعال در بررسی میدانی، معمولاً در گروه دوم دسته‌بندی می‌شوند.^۶ پیش از سده نوزدهم میلادی مناسبات مشابهی، مورخان فلسفی را از

1. Monumenta Germaniae Historica.

مجموعه‌ای از منابع تاریخی برای مطالعه تاریخ آلمان در دوره قرون وسطی.

2. David Knowles, (1963), *Great Historical Enterprises: Problems in Monastic History*, London, pp. 65–97; Ernst, *Im Namen der Geschichte*, pp. 91–189.

3. Robert Kohler.

4. Robert E. Kohler, (2002), "Place and Practice in Field Biology", *History of Science*, Vol. 40, pp.189–210; Robert E. Kohler, (2002), *Landscapes and Labscapes: Exploring the Field–Lab Boundary*, Chicago; Robert E. Kohler and Henrika Kuklick, (1996), "Introduction", *Osiris*, Vol. 11, pp. 1–14; Jacques Derrida, (1995), *Mal d'archive: Un Impression freudienne*, Paris; *History of the Human Sciences* dedicated two special issues to the topic in 1998 and 1999 (11/4 and 12/2), so did *Poetics Today* in 2003 (24/4); Carolyn Steedman, (2002), *Dust: The Archive and Cultural History*, New Brunswick, NJ; Antoinette Burton ed., (2005), *Archive Stories: Facts, Fictions, and the Writing of History*, Durham, NC, esp. pp.1–24; Wolfgang Ernst, (2002), *Das Rumoren der Archive: Ordnung aus Unordnung*, Berlin.

5. Recently in Peter Dear, (2006), *The Intelligibility of Nature: How Science Makes Sense of the World*, Chicago, esp. pp. 1–14.

6. Dorinda Outram, (1996), "New Spaces in Natural History", in N. Jardine et al., eds., *Cultures of Natural History*, pp. 249–265; Martin J. S. Rudwick, (2005), *Bursting the Limits of Time: Reconstruction of Geohistory in the Age of Revolution*, pp. 37–48.

محققان سندپژوه متمایز می‌کرد. در طی سده هیجدهم میلادی، تحت تأثیر علم‌محوری دکارتی و در آلمان با تغییرات لایب‌نیتیسی^۱ و ولفی^۲ آن و خیزش دوباره تاریخ عمومی با رویکرد فلسفی به تنزل هر چه بیشتر جایگاه تحقیقات آرشیوی انجامید.^۳ فلاسفه مدعی بودند که آرشیوها، صرفاً دانشی گسسته و محدود ارائه می‌کنند که پیوندی ناچیز و یا سهمی در پیشرفت بشریت ندارد.^۴ تاریخ واقعی، بر پایه خطابه و سخنرانی فهم شده بود. برای مثال در سال ۱۷۳۹ م یک اصلاح‌گر تأثیرگذار سیستم آموزشی به تحقیر و تمسخر یوهان پیتر فُن لودویگ^۵ مورخ پُرکار رشته حقوق پرداخت؛ به دلیل اینکه ساعات‌های طولانی را در آرشیوهای آلمان به بطلان گذرانده بود:

«مهم نیست که لودویگ از آرشیوهای دیگری جز آنچه در مگدبورگ^۶ است، دیدن کرده است. جز پاره‌ای از خصوصیات یک کشور که دیگران از آن بی‌اطلاع‌اند، من چه چیزی از یک آرشیو می‌آموزم؟ این نه‌تنها درباره علوم، بلکه گسترده‌تر است. در غیر این صورت، همه آرشیویست‌ها باید فاضل‌تر از دیگر مردمان باشند؛ درحالی‌که عکس آن است. این اشتباه است ... که دانش و شهرت لودویگ را به استفاده از آرشیوها نسبت دهیم. من مطمئنم که بازدید از آرشیوها بی‌آنکه به او کمک کند به او آسیب رسانیده است».^۷

پیش‌ازاین، در سده هیجدهم میلادی برخی از مورخان، رویکرد فلسفی به تاریخ را به

1. Gottfried Leibniz

گوتفرد لایب‌نیتس، ریاضی‌دان و فیلسوف آلمانی.

2. Christian Wolff

کریستین ولف، متفکر و فیلسوف آلمانی.

3. Michel de Certeau, (1980), "Writing vs. Time: History and Anthropology in the Works of Lefebvre", *Yale French Studies*, No. 59, pp. 37–64; Michael Harbsmeier, (1989), "World Histories before Domestication: The Writing of Universal Histories, Histories of Mankind and World Histories in Late Eighteenth-Century Germany", *Culture and History*, Vol. 5, pp. 93–131; Anthony, Pagden, (1997), "Eighteenth-Century Anthropology and the 'History of Mankind'", in D. R. Kelley, ed., *History and the Disciplines: The Reclassification of Knowledge in Early Modern Europe*, pp. 223–233; Tamara Griggs, (2007), "Universal History from Counter-Reformation to the Enlightenment", *Modern Intellectual History*, Vol. 4, No. 2, pp. 219–247.

4. Friedrich Schiller, (1789), *Was heißt und zu welchem Ende studiert man Universalgeschichte? : Eine Akademische Antrittsrede bey Eröffnung seiner Vorlesungen gehalten*, Jena.

5. Johann Peter von Ludewig.

6. Magdeburg.

7. Emil Franz Rössler, ed., (1855), *Die Gründung der Universität Göttingen: Entwürfe, Berichte und Briefe der Zeitgenossen*, Göttingen, p. 460.

چالش کشیده بودند و بر اهمیت شواهد تجربی تأکید می‌کردند. آگوست شلوتزر نمونه برجسته‌ای است که همراه با همکار گوتینگنی‌اش یوهان کریستوف گاترر^۱ از بنیان‌گذاران پژوهش‌های تاریخی نوین براساس روش‌های واژه‌شناختی^۲ شناخته شده‌اند.^۳ شلوتزر در کتاب تاریخ عمومی، دوره پیش از تاریخ را به دلیل فقر منابع، از دیگر بخش‌های تاریخ جهان مجزا کرده است.^۴ او فلاسفه مدعی را به باد انتقاد گرفته و تاریخ بشر را قلمرو مورخ دانسته است.^۵ او بر اهمیت نقد منابع، مهارت و آموزش حرفه‌ای و ضرورت همکاری میان متخصصان تأکید کرده است.^۶ باوجوداین، شلوتزر همچنان تاریخ عمومی می‌نگاشت و دوره پیش از تاریخ را در چهارچوب روایت شش هزارساله کتاب مقدس قرار می‌داد. استدلال او این بود که تاریخ نباید به صورت انبوهی از وقایع پراکنده باشد؛ بلکه باید به شیوه‌ای سازمان‌دهی شود که جهان و انسان در آن جلوه واحدی یابند.^۷ مورخ واقعی، متخصص واژه‌شناختی نیست که در برهوت گزارش‌هایی که اغلب تاریخ در آن مدفون شده است، سردرگم شود؛^۸ بلکه نیازمند دیدگاه فراگیری است که همه چیز را پوشش دهد.^۹ به استدلال شلوتزر، تنها جامعیت می‌توانست به تاریخ مشروعیت علمی بخشد:

«حقایق و وقایع پراکنده در علم تاریخ، همانند نقش‌های کوچکی هستند که بر روی

1. Johann Christoph Gatterer

2. Philological

3. Rudolf Vierhaus, (1987), "Die Universität Göttingen und die Anfänge der modernen Geschichtswissenschaft im 18. Jahrhundert", in H. Boockmann et al., eds., *Geschichtswissenschaft in Göttingen*, Göttingen, pp. 9–29; Peter Hanns Reill, (1975), *The German Enlightenment and the Rise of Historicism*, Berkeley; H. E. Bödecker et al., eds., (1985), *Aufklärung und Geschichte: Studien zur deutschen Geschichtswissenschaft im 18. Jahrhundert*, Göttingen; Ulrich Muhlack, (1991), *Geschichtswissenschaft im Humanismus und in der Aufklärung: Der Vorgeschichte des Historismus*, Munich; B. Stuchtey et al., eds., (2000), *British and German Historiography 1750- 1850*, Oxford.

4. August Ludwig Schlözer, (1772/3), *Vorstellung seiner Universal-Historie*, 2 vols, Göttingen; Uta Kösser, (1971/2007), "Vorgeschichte", in J. Ritter et al., eds., *Historisches Wörterbuch der Philosophie*, vol. 11, pp. 1186–1188; Helmut Zedelmaier, (2003), *Der Anfang der Geschichte: Studien zur Ursprungsdebatte im 18. Jahrhundert* (Hamburg, 2003), esp. pp. 177–83; Donald R. Kelley, (2003), "The Rise of Prehistory", *Journal of World History*, Vol. 14, No.1, pp. 17–36.

5. Schlözer, *Vorstellung*, 1, p. 15.

6. August Ludwig Schlözer, (1979), "On Historiography", trans. H. D. Schmidt, *History and Theory* 18/1.

7. Schlözer, *Vorstellung*, 1, p. 15.

8. *Ibid*, 1, p. 21.

9. *Ibid*, 1, p. 18.

صفحه موزائیک تزیین شده‌اند. منتقد، این حقایق را از سالنامه‌ها و آثار تاریخی استخراج می‌کند ... تدوین آن، کار نگارنده تاریخ است. وقتی که وحدت بر همه این صفحه، بسط و گسترش یابد در آن صورت تاریخ جهان اعتبار علمی خواهد یافت»^۱.

شلوتر تنها مورخ منتقدی نبود که پژوهش تجربی را وسیله‌ای برای نیل به اهداف و نتایج جامع و فراگیر می‌دانست. همچنین بارتولد گنورگ نیبور که رانکه در به‌کارگیری روش‌های واژه‌شناسی از او تأثیر پذیرفته بود، در این باور با او همدل بود. نیبور در سال ۱۸۱۱ م در مقدمه‌ای از سخنرانی‌های مشهور خود درباره تاریخ روم در دانشگاه برلین به تقبیح و نکوهش دانش کاذب واژه‌شناسی متخصصان دانشگاهی پرداخت که نه ارزش جاودان دوره باستان را ارج می‌نهادند و نه اعتباری امروزی برای تحقیقات آنان قائل بودند. دانشگاهی راستین، نه تنها منابع و جزئیات تاریخی را می‌شناخت؛ بلکه در پی دانشی مطلق^۲ بود.^۳ رانکه در طی دهه ۱۸۳۰ م، مناسبات جایگاهی میان آرشیو و ادعای فلاسفه در مورد آرشیوها را وارونه و به هم ریخت. او مخاطبان، همکاران و دانشجویان خود را متقاعد کرد که کار آرشیوی نه تنها معنادار و هدفمند است؛ بلکه تاریخ واقعی را نیز فقط می‌توان با استفاده از آرشیوها نگاشت. ظهور مکتب رانکه‌ای پژوهش‌های آرشیوی، واکنش‌های شدیدی برانگیخت.^۴ در اوایل سال ۱۸۳۷ م یوهان گوستاودرویزن مورخ لیبرال برلینی، کسی که شاگرد هگل و از فلسفه تاریخ او تأثیر پذیرفته بود، شکوه می‌کرد که مکتب رانکه‌ای درباره منابع، صحت واقعیت‌ها را تنها هدف مطالعات تاریخی می‌داند و هنگامی که به بررسی منابع دست‌اول می‌پردازد، گمان می‌کند که به این صحت دست‌یافته است.^۵ همچنین در سال ۱۸۴۷ م، کارل آگوست ورنهاگن فن انزه^۶ از ارکان جامعه فکری برلین که در دهه ۱۸۲۰ م دوست و حامی رانکه بود، نه تنها خط‌مشی نوین رانکه را محکوم کرد؛ بلکه اشتباه او مبنی بر اینکه ماهیت تاریخ در لابه‌لای موادی نهفته است که او برای نخستین بار یافته و به کار گرفته است را نیز نادرست خواند.^۷ در سال ۱۸۴۱ م، منتقد دیگری

1. *Ibid*, 1: pp. 44–45.

2. Allwissenheit

3. Barthold G. Niebuhr, (1828/43), *Kleine historische und philologische Schriften*, 2 vols. Bonn

4. Also Baur, *Versuch über die Historik*, pp. 112–123.

5. Johann Gustav Droysen, (1929), *Briefwechsel*, ed. R. Hubner, Vol. 1, pp. 119.

6. Karl August Varnhagen von Ense

کارل آگوست ورنهاگن فن انزه، نویسنده، دیپلمات و زندگی نامه‌نویس آلمانی.

7. Karl August Varnhagen von Ense, (1987/94), *Werke*, ed. K. Feilchenfeldt, Vol. 5, p. 420.

که در مجله چاپ‌گرای هگلی می‌نوشت، به شکل‌گیری مکتب رانکه‌ای مبتنی بر پژوهش آرشیوی پرداخت:

«نه تنها بیش از سایر مورخان به آرشیو، دست‌نوشته‌ها و اسناد می‌پردازد؛ بلکه او دوست دارد با استفاده از آنها بنویسد، او فکر می‌کند که صرفاً با استفاده از آنها می‌توان به دانشی موثق و دقیق دست یافت و به روابط متقابل اصیل میان وقایع و علل غایی آنها پی برد».^۱

به ادعای این منتقد، روشن‌ترین نمونه رویکرد رانکه به تاریخ، کتابچه سال ۱۸۳۱ م او درباره توطئه برضد ونیز بود.

کشف آرشیو:

تا پیش از سال ۱۸۳۱ م، رانکه مطالبی درباره تاریخ نوین آغازین نوشته بود. اگرچه رساله رانکه درباره توسعید مورخ یونانی بود؛ با این حال او از دوره دانشجویی علاقه به عصر اصلاحات دینی را در خویش پروانده بود.^۲ در سال ۱۸۲۴ م، رانکه نخستین تک‌نگاری درباره «تاریخ اقوام لاتین و توتونی از سال ۱۴۹۴ تا ۱۵۳۴»^۳ را منتشر کرد که اغلب آن را در راستای هدف او برای نگارش «همان‌طور که واقعاً اتفاق افتاده است»^۴ دانسته‌اند. اگرچه این کتاب، محبوبیت اندکی یافت؛ اما در میان محققان با استقبال روبرو شد و کرسی استادی تاریخ در دانشگاه برلین را برای رانکه به ارمغان آورد.

رانکه اندکی پس از ورود به برلین در بهار سال ۱۸۲۵ م، مجموعه نُسخ خطی چهل‌وهشت جلدی را در کتابخانه سلطنتی کشف کرد. این مجلدات حاوی گزارش‌هایی بود که دیپلمات‌های اوایل دوره نوین ونیز، درباره امور سیاسی و زندگی دیگر کشورهای اروپایی نگاشته بودند.^۵ مطالعه این مجلدات، رانکه را به‌طور فزاینده‌ای فریفته کرد. پیش از

1. Anonymous, (1841), "Die Berliner Historiker", *Hallische Jahrbücher für deutsche Wissenschaft und Kunst* 4, pp. 421–430; Gunter Berg, (1968), *Leopold Ranke als akademischer Lehrer: Studien zu seinen Vorlesungen und seinem Geschichtsdenken*, Göttingen, p. 57; Baur, *Versuch über die Historik*, 31, note 48.

2. Jaroslav Pelikan, (1991), "Leopold von Ranke as Historian of the Reformation: What Ranke did for the Reformation – What the Reformation did for Ranke", in Iggers et al., *Leopold von Ranke and the Shaping of the Historical Discipline*, pp. 89–98.

3. *Geschichten der romanischen und germanischen Völker von 1494 bis 1534*.

4. Wie es eigentlich gewesen.

5. Gino Benzoni, (1990), "Ranke's Favorite Source: The Venetian Relazioni Impressions with Allusions to Later Historiography", in Iggers et al., *Leopold von Ranke and the Shaping of the Historical Discipline*, pp. 45–57.

تابستان سال ۱۸۲۵ م او براساس این گزارش‌های دیپلماتیک در پی نگارش کتاب بلندپروازانه‌ای بود تا تاریخ اروپا را از دوره اصلاحات دینی تا انقلاب فرانسه بازتعریف کند.^۱ این کتاب هرگز نوشته نشد؛ اما در سال ۱۸۲۷ م بررسی منابع ونیزی سلطنتی به کتابی با عنوان «شاهزادگان و اقوام اروپای جنوبی»^۲ انجامید که عنوان فرعی، «مقدمه‌ای بر گزارش‌های منتشر نشده دیپلماتیک»^۳ داشت.^۴ برای کشف بیشتر گزارش‌ها و بسط کار رانکه درباره اروپای جنوبی، او در اوایل پاییز سال ۱۸۲۷ م به اتریش سفر کرد. نخست او در پی بازدید کوتاهی از آرشیو وین بود؛ اما با مجذوب شدن در گنجینه آرشیوهای خارجی از بازگشت برای تدریس در دانشگاه برلین منصرف شد و بارها از مقامات پروس درخواست کرد تا مرخصی او را تمدید کنند. زمانی حتی در برلین شایعه شده بود که او به آیین کاتولیک گرویده است.^۵ سرانجام رانکه در اواخر ماه مارس سال ۱۸۳۱ م، بعد از بیش از سه سال در آرشیوهای آلمان، اتریش و ایتالیا بازگشت.

پیش از عزیمت به برلین، رانکه تصوّراتی درباره آرشیوهای خارجی داشت. او درباره ونیز در «شاهزادگان و اقوام اروپای جنوبی» با اظهار شگفتی گفته بود: «این آرشیو چقدر غنی بوده است!»^۶ با وجود این، کار روزانه آرشیو برخلاف آن چیزی بود که او انتظار داشت. جدا از کار دشوار با چهل و هشت جلد نسخ خطی در کتابخانه سلطنتی، رانکه تجربیات آرشیوی اندکی داشت. اثر نخست او بر مبنای منابع چاپ‌شده نگارش یافته بود. رانکه سرانجام با سفر به اتریش و ایتالیا، کاملاً متقاعد شده بود که تاریخ و پژوهش‌های آرشیوی جدایی ناپذیرند. او در آرشیوها آموخته بود که تاریخ انسان را به مثابه تاریخ اسناد بنگرد.

شالوده‌شکنی تاریخننگاری:

با معیارهای رانکه، «توطئه برضد ونیز» کتاب بسیار مختصری بود. این کتاب، صد و چهل و یک صفحه تجزیه و تحلیل همراه با پیوست چهل و هشت صفحه اسناد بایگانی ونیز بود. نه تنها پیوست، بلکه ترکیب و اسلوب بلاغی کتاب بیانگر گرایش رانکه به آرشیوها

1. Ranke, *Briefwerk*, pp. 84–85.

2. *Fürsten und Völker von Süd-Europa*

3. *Primarily from unpublished diplomatic reports*

4. Leopold von Ranke, (1827), *Fürsten und Völker von Süd-Europa im sechszehnten und siebzehnten Jahrhundert. Vornehmlich aus ungedruckten Gesandtschafts – Berichten*, Hamburg.

5. Ranke, *Briefwerk*, pp. 156–163.

6. Ranke, *Fürsten und Völker*, Viii.

بود. در این کتاب برای خواننده، «همان‌طور که واقعاً اتفاق افتاده است» صراحتاً روشن نبود. رانکه بارها توضیح داده بود که این تاریخ برای خوانندگان امروزی، خیلی جذاب و یا شاید بی‌هوده نباشد. او در صفحه نود و هشت کتاب، ماجرای ژاک پیر^۱ مزدور فرانسوی را بیان کرده است که با همدستی گروهی دیگر از مزدوران در خدمت دولت ونیز در پی غارت و حمله به شهر بودند. به نظر می‌رسد پدرو تلزیرون^۲ نایب‌السلطنه اسپانیایی ناپل، دوک اُسونا نیز با او همکاری کرده بود.^۳ هدف رانکه، پرداختن به رویداد سال ۱۶۱۸ م نبود؛ بلکه او در پی چالش با منابع مورد استفاده خود بود. این کتاب، بازگوی پژوهش‌ها و گردآوری و ثبت کم‌وبیش شواهد توسط او بود. هدف نخست رانکه، ارائه گزارشی از وقایع گذشته نبود؛ بلکه او سعی داشت تا به خوانندگان توضیح دهد که چگونه این وقایع را بازنمایی کرده است. شخصیت اصلی این رویداد، ژاک پیر فریبکار نبود که به جمهوری ونیز خیانت می‌کرد؛ بلکه قهرمان اصلی، لئوپلدرانکه بود که با نیرنگ‌های مورخان گذشته ونیز روبرو می‌شد. از وزگان نخست این کتاب می‌خوانیم:

«پژوهشی که من به آن می‌پردازم بیش از یک مشکل را مطرح می‌کند؛ نویسندگان مرتبط با این موضوع، غالباً ناخواسته و حتی گاهی به عمد، دچار اشتباه شده‌اند؛ بسیاری از اسنادی که به ما ارائه کرده‌اند، معتبر و موثق نیستند. عاملان رویدادها نیز با دروغ‌ها و اتهامات مُستدل مواجه‌اند. از این رو، من می‌کوشم تا مطالب موثق را تشخیص دهم و خط سیر درست این مطالب را بازشناسم؛ آرزو مندم تا خواننده را به خارج از این هزارتوی و دست یافتن به باوری اصیل و قانع‌کننده رهنمون سازم».^۴

رانکه کتاب را با نخستین گزارش‌هایی که در وقایع‌نگاری‌ها، نامه‌ها و جزواتی که مدت کوتاهی بعد از افشای توطئه منتشر شده بودند، آغاز کرده است. او بر بافت و زمینه این نوشته‌ها و اینکه چه زمانی، کجا و توسط چه کسانی نوشته یا خوانده شده‌اند، تأکید کرده بود، نه بر بافت و زمینه واقعه توطئه. او همچنین تصمیم گرفته بود (فعلاً) به اسنادی که صرفاً برای مقام‌های ونیزی شناخته شده بود، نپردازد. رانکه سپس نگارش تاریخ را آغاز کرده است. در بخش نخست نگارش تاریخ، رانکه با تفسیرهایی به هواداری از ونیز و مخالفت با اسپانیا

1. Jacques Pierre

2. Pedro Téllez-Girón

3. Richard MacKenney, (2000), "A Plot Discover'd.' Myth, Legend, and the 'Spanish' Conspiracy against Venice in 1618", in J. Martin et al., eds., *Venice Reconsidered: The History and Civilization of an Italian City-State 1297-1797*, pp.185-216.

4. Ranke, *Ueber die Verschwörung*, 1.

پرداخته است. رانکه همچنین به بحث درباره تاریخ ونیز که نیم سده پیش توسط باتیستا نانی^۱ نوشته شده بود و آبه دو سنت رنال^۲ مورخ سده هفدهم میلادی اهل ساوی، منابع و مُقلدان ونیزی او پرداخته است. رانکه در بخش دوم نگارش تاریخ، به شرح گروه مخالفان پرداخته است. او به طور ویژه‌ای بر دو تاریخ اخیر نوشته ژان پیر دو شابریه^۳ دیپلمات پروس و پیر دارو^۴ مورخ فرانسوی تمرکز کرده است.^۵ دستاورد رانکه از مطالعات تاریخ‌نگاری اش بیانگر آن بود که هیچ‌کدام از گزارش‌های پیشین درباره وقایع سال ۱۶۱۸ م موثق نبودند. او حتی هشدار داده است که برخی از این گزارش‌ها را نمی‌توان تاریخ دانست. برای ارائه چنین قضاوتی، رانکه این گزارش‌ها را با گزاره مشهور خود «همان‌طور که واقعاً اتفاق است» نسجیده بود. در عوض، او به مغایرت متون با همدیگر و تناقض‌های درون‌متنی اشاره کرده است. او به خواننده نشان داده است که چگونه می‌توان پیش از شناخت تصویری کلی، منابع و روایت‌های تاریخی را مورد بررسی قرار داد. کتاب رانکه درباره ونیز حتی بیش از دیگر اثر او با عنوان «درباره انتقاد از مورخان جدید»^۶ که سال ۱۸۲۴ م منتشر شد، بیانگر آموزش واژه‌شناختی و نفوذ فزاینده روش‌های واژه‌شناختی برای تاریخ‌نگاری آلمان در اوایل سده نوزدهم میلادی بود.^۷

نمونه بارز مهارت‌های تطبیقی و واژه‌شناختی رانکه در بررسی مجموعه‌ای از اسناد جعلی در نسخه خطی بلون نام با عنوان «خلاصه‌ای از توطئه برضد ونیز»^۸ آشکار شده است.^۹ این نوشته که در پاریس و چندین کتابخانه ایتالیا در دسترس قرار داشت، به‌شدت بر

1. Battista Nani

باتیستا نانی، سفیر و کتابدار ونیزی که تاریخ جمهوری ونیز را نگاشت.

2. Abbé de Saint-Réal

3. Jean-Pierre De Chambrier

ژان پیر دو شابریه، دیپلمات پروس که از سال ۱۷۸۰ تا ۱۷۹۸ م سفیر پادشاه پروس در تورین بود.

4. Pierre Daru

پیر دارو، مورخ و سیاستمدار فرانسوی که آثاری از جمله تاریخ جمهوری ونیز را نگاشت.

5. Claudio Povolo, (2003), "The Creation of Venetian Historiography", in Martin et al., Venice Reconsidered, pp. 491-519; Aurelio Musi, ed, (2003), Alle origini di una nazione: Antispagnolismo e identità italiana, Milan.

6. Zur Kritik neuerer Geschichtsschreiber

7. Notker Hammerstein, (1976), "Der Anteil des 18. Jahrhunderts an der Ausbildung der historischen Schule des 19. Jahrhunderts", in K. Hammer et al., eds., Historische Forschung im 18. Jahrhundert, pp. 432-450; Ulrich Muhlack, (1986), "Historie und Philologie", in Bödeker et al., Aufklärung und Geschichte, pp. 49-81.

8. Sommario della congiura contra la città di Venetia

9. Ranke, Ueber die Verschwörung, 12.

سنت رئال و به‌واسطه سنت رئال بر مورخان دیگر تأثیر گذاشته بود. این کم‌وبیش مبنای سنت تفسیرهای هوادارانه او نیز بود. رانکه نام‌ها و تاریخ‌های مختلفی در آن نوشته یافته بود که علاوه بر مغایرت با دیگر اسناد هم‌زمان، برخی از آن نام‌ها نیز نادرست و یا با تلفظ اشتباه نگارش یافته بودند. این تناقض‌های جزئی، نتیجه‌گیری جسورانه رانکه را در پی داشت. به باور رانکه، آن نوشته نه تنها اشتباه بود؛ بلکه اشتباه‌های آن از جعل بسیار بزرگ‌تری ریشه گرفته بود. اسناد مفروض در آن نوشته، نه تنها سندی نداشتند؛ بلکه جعلیات ساختگی بودند که برای سود و منافع به فروش رسیده بودند. در این راستا، رانکه با لحن مقتدرانه پژوهشگری آرشیوی، انتقاد مفصل خود را به پایان رسانده است:

«این شیادی بزرگ به گروهی از جاعلان اشاره داشت، افرادی، برای فروش آنچه ندارند یا ساختن آنچه برای آن تقاضا وجود داشت. این افراد در قبال پول خوب، اسناد را می‌فروختند. اسنادی از نخستین دوره‌های جمهوری تا کاخ‌های محترم‌ترین نجبا که در صورت اعتبار بسیار ارزشمند بودند. آنها حتی پوسیدگی‌های اسناد و مدارک قدیمی را جعل و تقلب می‌کردند. باوجوداین، (جعل) بدون نقص انجام نمی‌گرفت».^۱

پس از مطالعه بیش از یک‌سوم کتاب، رانکه مرور تاریخ‌نگاری خود را با نتیجه‌گیری غم‌انگیزی به پایان رسانده است: «پس از این همه تلاش، ما تقریباً هنوز در جایی ایستاده‌ایم که یک فرد بعد از ماه می ۱۶۱۸ م ایستاده بود».^۲ او از دو سده نوشتار انباشته شده، هیچ فرانگرفته بود؛ اما در عوض نکته مهمی را به اثبات رسانده بود و آن اینکه، آرشیوها تنها مکان مناسب برای استخراج دانش تاریخی بودند. نویسندگانی که دانشی عمیق و شخصی از اسناد آرشیوی نداشته باشد، فقط می‌تواند به بازتولید روایات متداول و یا ارانه خیال‌بافی‌های خویش بپردازد. او نمی‌تواند تاریخ بنویسد. نگارش تاریخ نمی‌تواند جدا از گردآوری شواهد تاریخی باشد. تاریخ، صرفاً به‌واسطه آرشیوها به وجود آمده است.

رانکه اندکی پس از بازگشت به برلین در سال ۱۸۳۱ م، دیدگاه خود را برای دانشجویانش روشن کرد. رانکه در سخنرانی مقدماتی درباره تاریخ عمومی، نخستین تاریخ غیر مستند را از تاریخ جهان متمایز کرد. همچنان که شلوتزر در سال ۱۷۷۲ م انجام داده بود. برخلاف شلوتزر و نیبور که استفاده از آثار دوره باستان، یادمان‌ها و همچنین بازسازی منطقی و گمانه‌زنی را مطرح کرده بودند، رانکه اصرار می‌ورزید که تنها اسناد و مدارک مکتوب می‌توانند تاریخ را زنده نگه دارند: «تاریخ، فی‌نفسه حیات بشر را در همه زمان‌ها در

1. *Ibid*, p. 17.

2. *Ibid*, p. 52.

برمی‌گیرد. باوجوداین، بخش زیادی از این [حیات] مفقود و یا ناشناخته ... مانده است. بخشی از آنچه نیز شرح داده شده است، مفقود شده است و بخشی نیز هرگز شرح داده نشده است؛ همه اینها با مرگ مدفون شده‌اند، فقط آنهایی را که تاریخ بررسی می‌کند، کاملاً از بین نمی‌روند؛ هنگامی که به ادراک درآیند، ماهیت و وجود آنها هنوز تأثیرگذار خواهد بود؛ با از دست دادن حافظه، مرگ واقعی پدیدار می‌شود ... من فکر می‌کنم که [دوره‌های بدون شواهد مستند] باید از تاریخ حذف شوند. به دلایل معتبری، زیرا آنها با مبانی پژوهش‌های مستند در تناقض‌اند».^۱

بازسازی آرشیو

پایان کتاب رانکه در سال ۱۸۳۱ م، شرح آرشیو مهم ونیز در صومعه سابق سانتا ماریا گلوریوسا دی فراری^۲ بود که طی دهه ۱۸۱۰ و ۱۸۲۰ م پس از مذاکره با مقامات فرانسوی و اتریشی و مشاجره با آرشیویست‌های محلی گردآوری شده بود.^۳ رانکه کار خود را با سفر آموزشی آغاز کرد و خواننده را مجذوب آنچه کرد که استیون شاپین^۴ و سیمون شفر^۵ آن را «مشاهده مجازی»^۶ می‌نامیدند.^۷ کار مورخان در کتابخانه‌ها و آرشیوها لزوماً کاری فردی بود؛ باوجوداین، رانکه از خواننده دعوت می‌کرد تا ضمن تجسم آرشیوها خود را در جایگاه رانکه تصور کند. او افزون بر فهرست‌نویسی اسناد فراوان قفسه‌ها، ساختمان، اتاق‌ها و نوری که از پنجره می‌تابید و خنکی هوا در ماه اوت را نیز شرح می‌داد. رانکه، گردش در آرشیوها را با سفر گردشگری عادی در خیابان‌های ونیز مقایسه می‌کرد. درحالی‌که گردشگر فقط احساس می‌کرد؛ ولیکن مورخ و مخاطبان او، شاهد ماجرا بودند. کاخ‌ها، کلیساها و

1. Leopold von Ranke, (1964/75), *Aus Werk und Nachlass*, ed. W. P. Fuchs, Vol. 4, p. 84.

2. Santa Maria Gloriosa dei Frari

3. Leopold von Ranke, *Ueber die Verschwörung*, pp. 53–62; Rossi Minutelli, (2002), "Archivi e biblioteche", in M. Isnenghi et al., eds., *Storia di Venezia: L'Ottocento e il novecento*, 3 vols. (Rome, 2002), 2: 1081–122, esp. 1084–1092; Claudio Povolo, (1993), *Il romanziere e l'archivista. De un processo veneziano del '600 all'anonimo manoscritto dei Promessi Sposi* (Venice, 1993), esp. pp. 71–95.

4. Steven Shapin

5. Simon Schaffer

6. Virtual witnessing

7. Steven Shapin and Simon Schaffer, (1989), *Leviathan and the Air-Pump: Hobbes, Boyle, and the Experimental Life*, pp. 60–65.